

من تمام نمی شوم

مجموعه شعر

اکرم مرتضی وند (پرنیان)



انتشارات رامند

www.ketab.ir

فهرست مطالب

۷	 مقدمه
۹	 باغ تنهایی
۱۰	 با تو
۱۲	 زندگی
۱۴	 اشتیاق
۱۶	 ساز من
۱۷	 رد پای عشق
۱۸	 راز من
۱۹	 چهل
۲۰	 تا بدانی
۲۲	 درد
۲۴	 فاصله
۲۵	 من تمام نمی شوم
۲۶	 راه دل
۲۷	 شکستن
۲۸	 باور کن
۲۹	 بی مهر
۳۰	 نفس حبس

۳۱	 غربت
۳۳	 فرار از تنهایی
۳۴	 بیراهه
۳۵	 جنون
۳۶	 خنده‌ی تلخ
۳۷	 کاش‌ها
۳۹	 رنگ وازه‌ها
۴۱	 نقش بودن
۴۲	 نقاب
۴۴	 تردید
۴۵	 خستگی
۴۷	 هیچ می‌دانی؟
۴۸	 و دوباره
۵۰	 قاب دیوارها
۵۱	 قاصدک
۵۲	 نوای هستی
۵۴	 ساز وجود
۵۵	 کلید عشق
۵۶	 بند
۵۸	 هجر
۵۹	 حرف باران
۶۱	 شوق بودن
۶۲	 می‌شود

مقدمه

حرکت، نشانه‌ی زندگی است و تداوم، نشانه‌ی بالندگی است و شکوه.

در میان واژه‌های این دفتر، گم می‌شوی در جستجوی عشق، اینجا مکاشفه‌ی شاعرانه، پرده را از مقابل دیدگانت کنار می‌زند و دعوت می‌شوی به میهمانی واژه‌ها که چون صدف، معانی عمیق را در سطحی از سادگی در دل خود جای داده‌اند.

به «باغ تنهایی» شاعری قدم می‌گذاری که ترانه‌هایش را «با تو» زمزمه می‌کند تا «تو بدان» ی «زندگی» مرغزار مرغانی است که از هیاهوی محبت زنده اند.

اکنون «اشتیاق» ات در چرخه‌ی وجود موج می‌زند، «ساز من» چکاوک قلبت را به خود می‌آورد تا «رد پای عشق» را در «راز من» تا جاری ابدیت دنبال کنی و در «سیاهی جهل» ساز خرد دست گیری «تا بدانی» «درد»، در دیاری پر از رنگ و ریا، بی سترزمین تر از باد «فاصله» ها را می‌دود، یعنی «من تمام نمی‌شوم» و

پرنیان را اولین بار در سال ۱۳۸۸ با مجموعه‌ی «راز عشق» شناختم. مجموعه‌ای که در آن، اصالت واژه‌ها قربانی قالب‌های مدرن نگردیده بود. شاعر حتی در مجموعه‌ی حاضر، فارغ از نقدهای مهاجم یا زبانی ساده و روان و در عین حال عمیق، نگرانی‌ها، امیدها و آرزوهایش را می‌سراید.

در این مجال، زندگی را با تمام تنگناهایش غنیمت می‌شمارد و عشق را، به یاد دوست استشمام می‌کند. با کمی تعمق در محتوا، نگاه ژرف فلسفی و عرفانی شاعر را می‌توان دید. او زندگی را مقدمه‌ی جاودانگی می‌داند و اجسام را سایه‌هایی بیان‌کننده‌ی حقیقتی که منشاء اصلی وجود است.

نگاه پرنیان متأثر از نگاه خیام است و بیانش متفاوت از بیان او. اگر خیام با شکایات در اثبات معاد می‌کوشد، او با اعتقاد و اطمینان باور خود را بیان می‌کند. آشفته‌گی او آشفته‌گی کودکی دور مانده از مادر است که آرامش را جزء در آغوش پُر مهر او نمی‌داند. در کلیت اشعار پرنیان از دو عنصر تاریکی و روشنی به‌کرار استفاده شده، غربت، تنهایی، غم، رنج در حلقه‌ی تاریکی و امید، عشق، وصل، آرامش و کمال، در حلقه‌ی روشنی قرار گرفته‌اند. با این وجود او گذر از تاریکی را لازمه‌ی رسیدن به روشنایی می‌داند. و این یعنی هیچ چیز در این حلقه، اتفاقی نیست.